

MARVEL

1

EWING
ANDRADE
O'HALLORAN

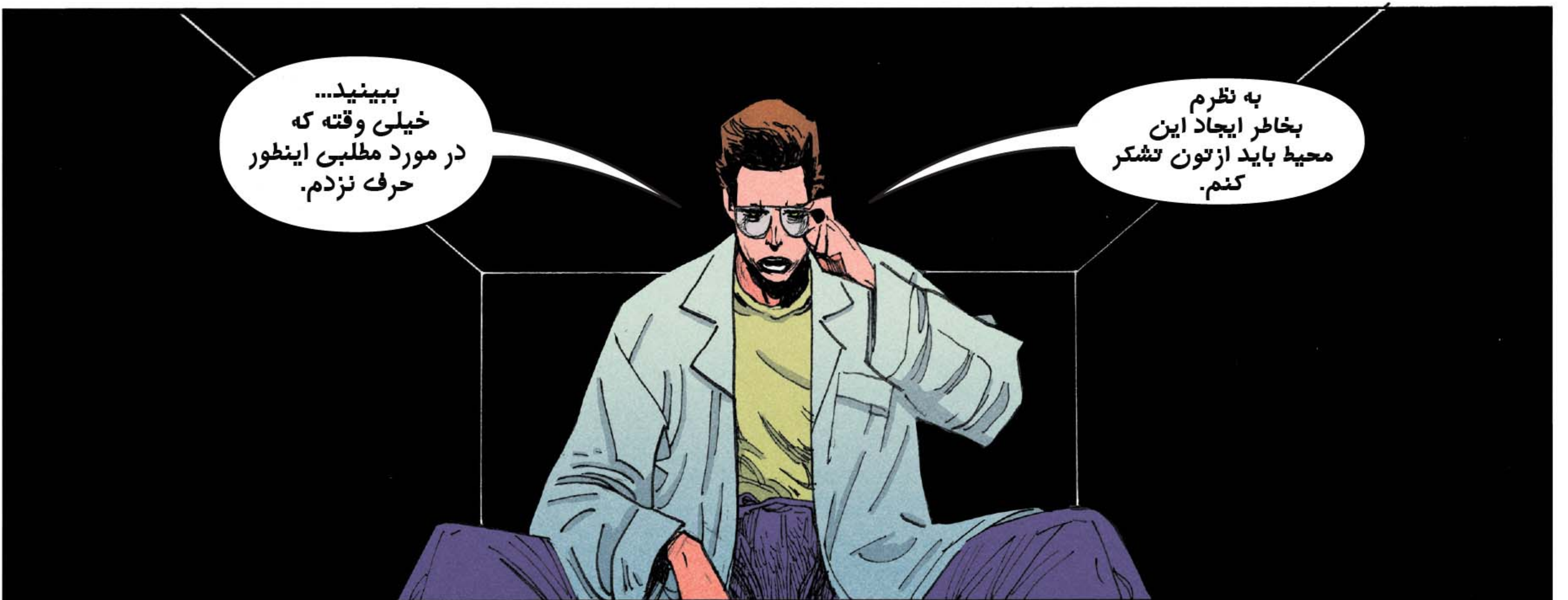
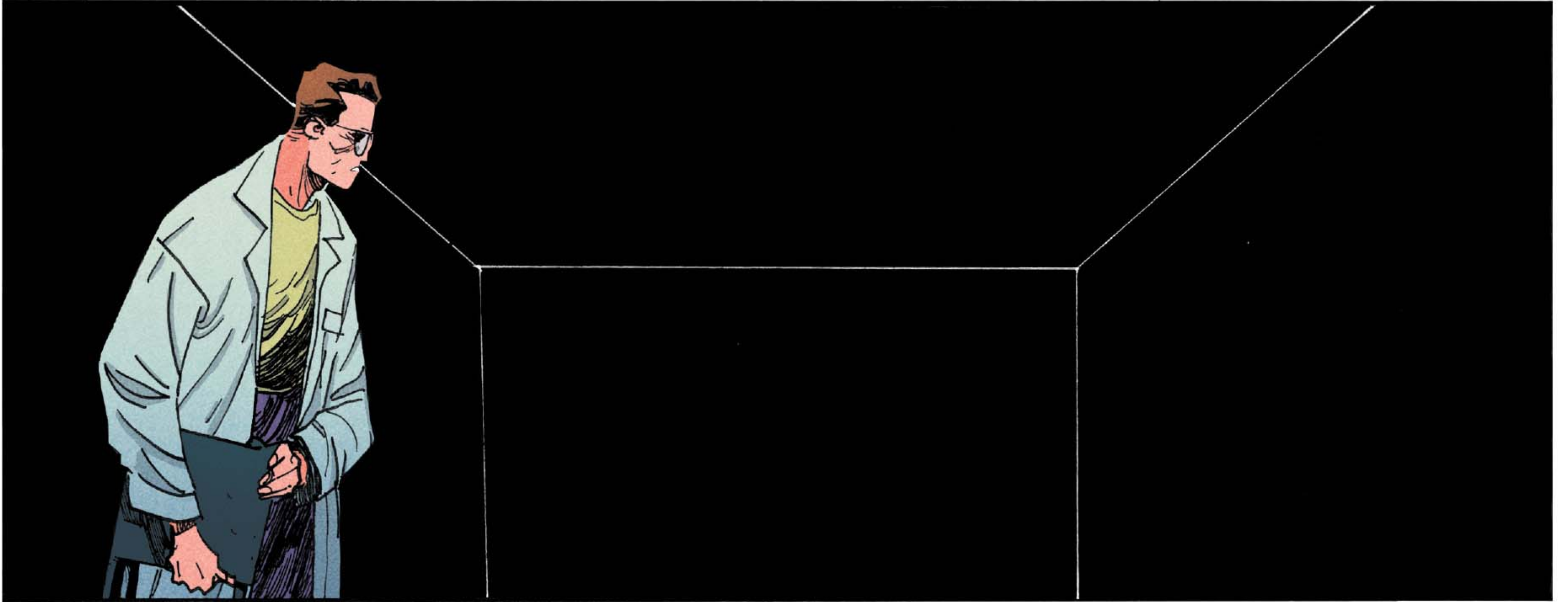
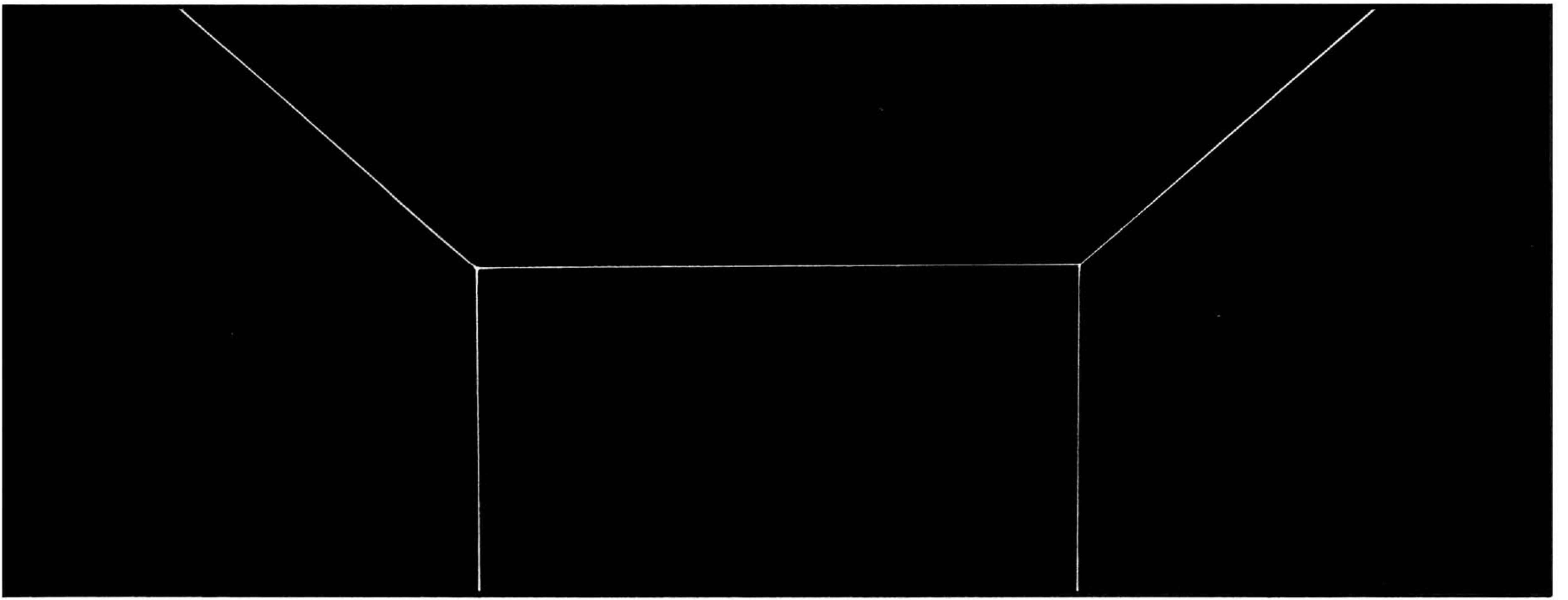
دوران
dorrnaame.ir

کاری از: کیوان داوند

ABSOLUTE CARNAGE

THE IMMORTAL

NEW



ببینید...
خیلی وقته که
در مورد مطلبی اینطور
حرف نزدم.

به نظرم
بخاطر ایجاد این
محیط باید ازتون تشکر
کنم.

به هر حال،
شما منو می شناسید.
بروس بنر. منو به
یاد میارید؟

ما در
گذشته در یک
جبهه جنگیدیم. مطمئنم
وقتی همه چیز شروع شد
اونجا بودم.



و بعد از
صحبت کردن با...
دوست شما...

من فکر
می کنم می تونیم
به همدیگه کمک کنیم.
نیروهامونو با هم پیوند
بزنیم.

وقتی
بقیه برسند
اینجا... به هر حال.



می دونم
که اعتماد کردن
مشکله.

تو شرایطی...
مثل شرایط ما... که مسایل
یه کم بالا و پایین می شم.
و من می فهمم که در
گذشته لطمه خوردی.



لازم نیست
عجله کنیم. وقت
داریم.

چطوره بگم
چطور شد به
اینجا رسیدم؟



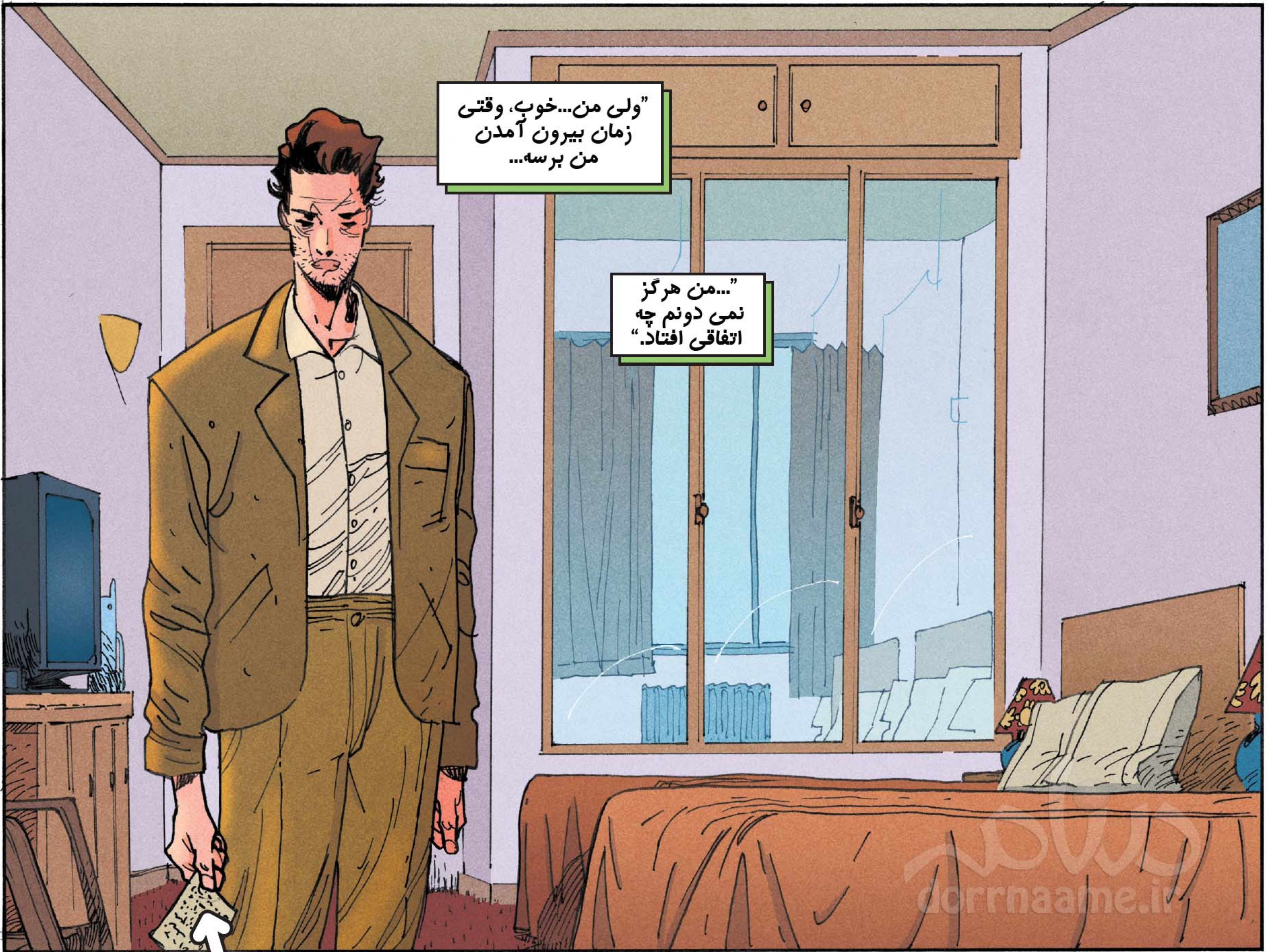


”بعضی وقت ها در مورد بعضی چیزها بحث حسودی می کنم. در مورد بعضی چیزها نه. بعضی وقت ها... هر دو موضوع یکی هستند.

”خودت می دونی. چه بیرون باشی، چه داخل. برای همه مسائل حضور داری.

”ولی من... خوب، وقتی زمان بیرون آمدن من برسه...

”...من هرگز نمی دونم چه اتفاقی افتاد.



بئر - هزینه اتاق پرداخت شده. مک جی همسایه کناریه. برایش مزاحمت ایجاد نکن. بتی تی جونز رفته حموم. مزاحمشون نشو. بهشون احتیاج داری. لباس ها اندازه ات هستند. گند نرنی توشون. چند تا لباس دیگه تو کمد لباسهست. لباس های پاره قبلی هم همونجاست. شیطان می گه فعلا چراغ خاموش باش. دو روز دیگه میام تا مسافرخونه رو عوض کنم. مگر اینکه جونز بیدار بشه.

جو



من زیادی نیازمندم؟



”من بالاخره با جکی مک جی حرف زد. کل داستان رو برام تعریف کرد... تا جایی که دیده بود.



”از طرف پایگاه شدو جسد ریک دزدیده شده بود... که اینو می دونستم. چیزی که نمی دونستم این بود که روی اون آزمایش انجام داده بودند و تبدیل به یه هیولاش کرده بودند.



”اونها دنبال من فرستادند. بتی و خانم مک جی درگیر ماجرا شدند. ماجرا... به شکلی زشت پیش رفت.

”در نهایت هالک ریک رو از محل آزمایشات بیرون آورد. از اون موقع... خوب، مرده کلمه درستی برای صحبت در مورد امثال ما نیست.

”داره درمان می شه.

”به هر حال. همون موقع هم من زیاد باهاش حرف نمی زدم. اون یه خیرنگاره...اگه منطقی باشم باید بگم که نمی دونم چرا هالک اینقدر بهش اعتماد داره.

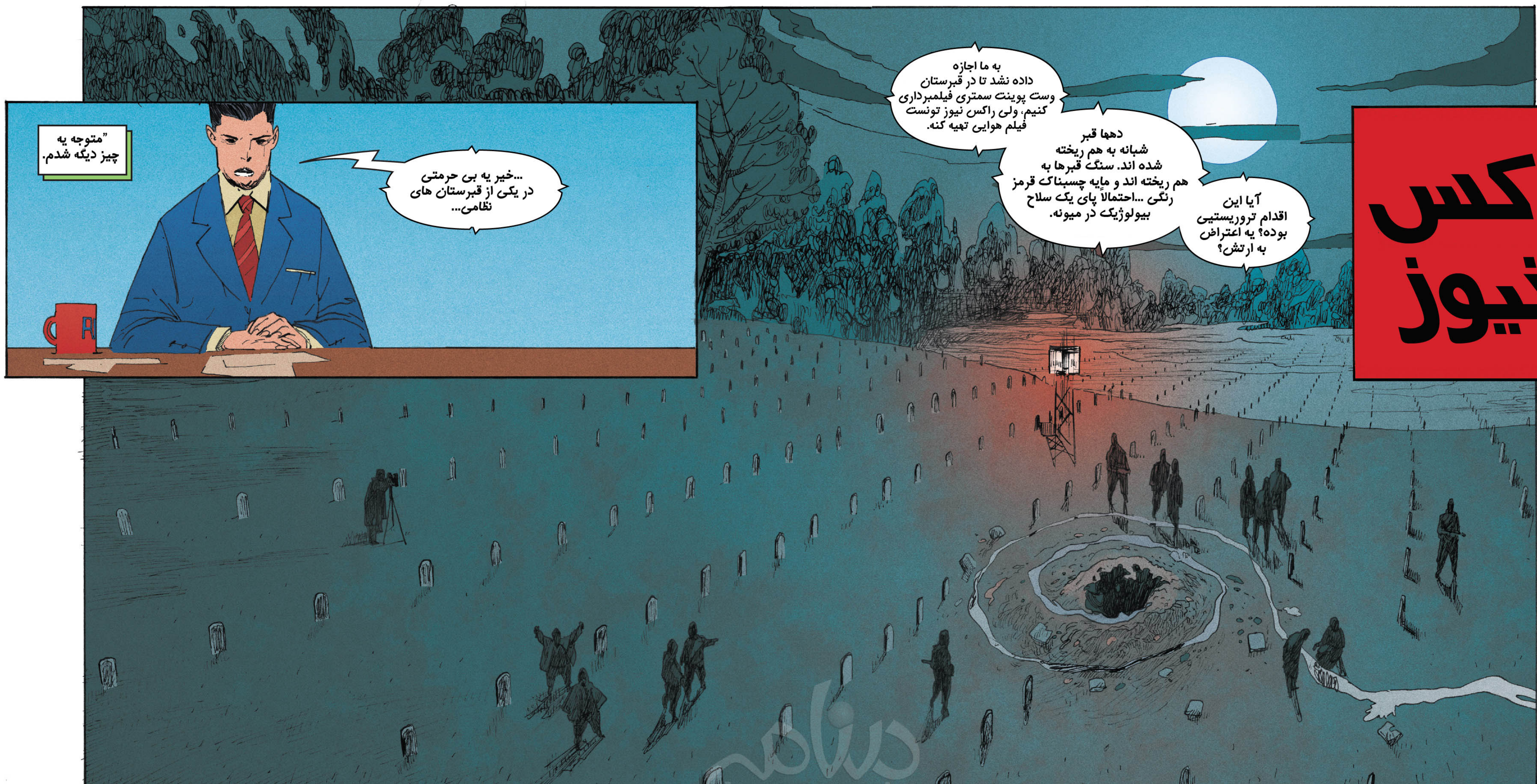
”طبق مدارک مسافر خونه، ما تو کالیفرنیا بودیم.



”من فکر کردم می تونم از طریق اخبار محلی، مورد نظرم رو پیدا کنم.



راکس نیوز



متوجه به چیز دیگه شدم.

...خیر به بی حرمتی در یکی از قبرستان های نظامی...

به ما اجازه داده نشد تا در قبرستان وست پوینت سمتری فیلمبرداری کنیم، ولی راکس نیوز تونست فیلم هوایی تهیه کنه.

دهها قبر شبانه به هم ریخته شده اند. سنگ قبرها به هم ریخته اند و مایه چسبناک قرمز رنگی... احتمالاً پای یک سلاح بیولوژیک در میونه.

آیا این اقدام تروریستی بوده؟ به اعتراض به ارتش؟



یا حتی چیزی بدتر؟

گفته می شود یکی از اجساد مفقود شده است... یکی از قهرمانان این کشور، یکی از خدمتگزاران این کشور. یک انتقام جو.



"جسد کسی که با اشعه گاما چشم یافته. مثل جسد ریک که دزدیده شده.

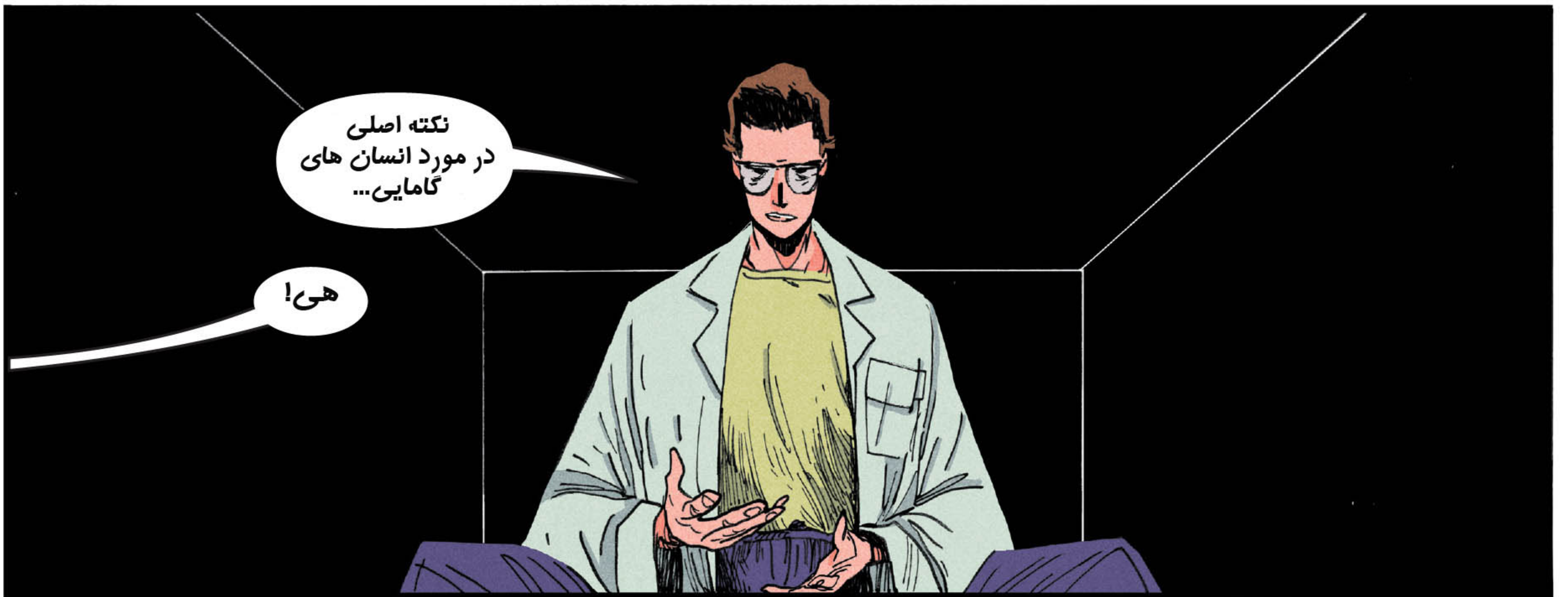
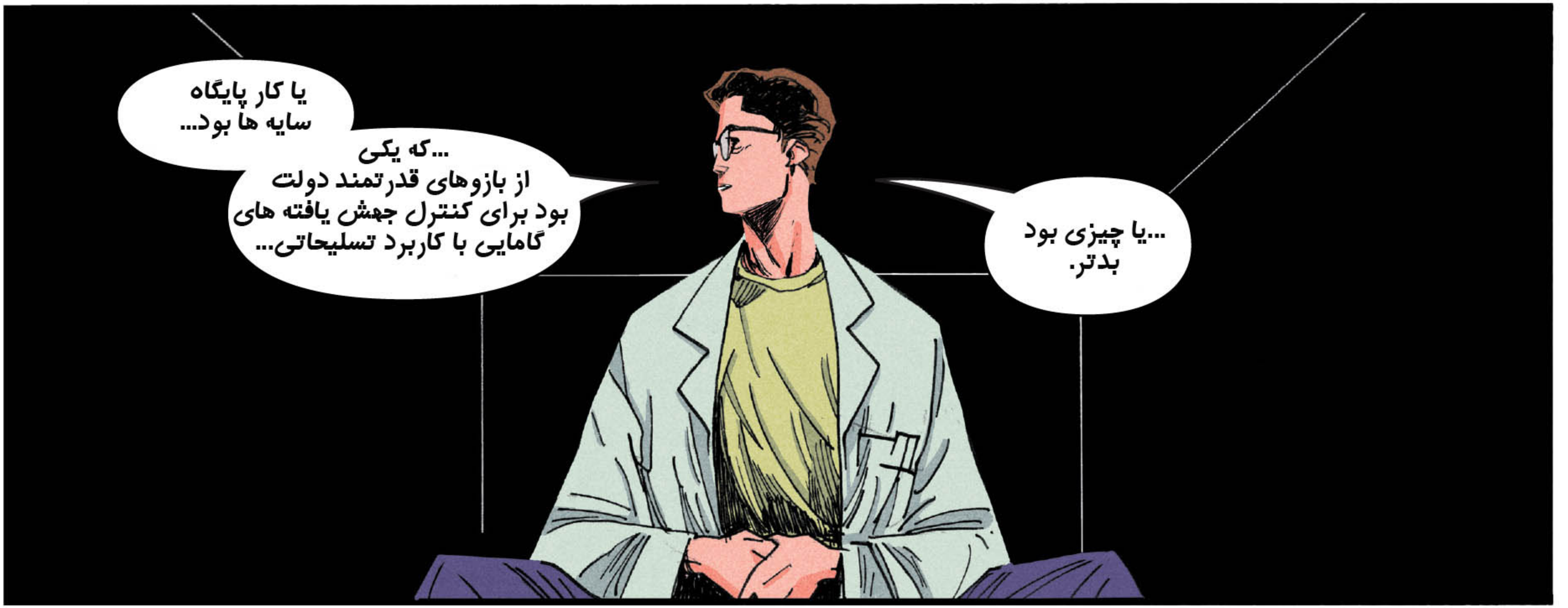
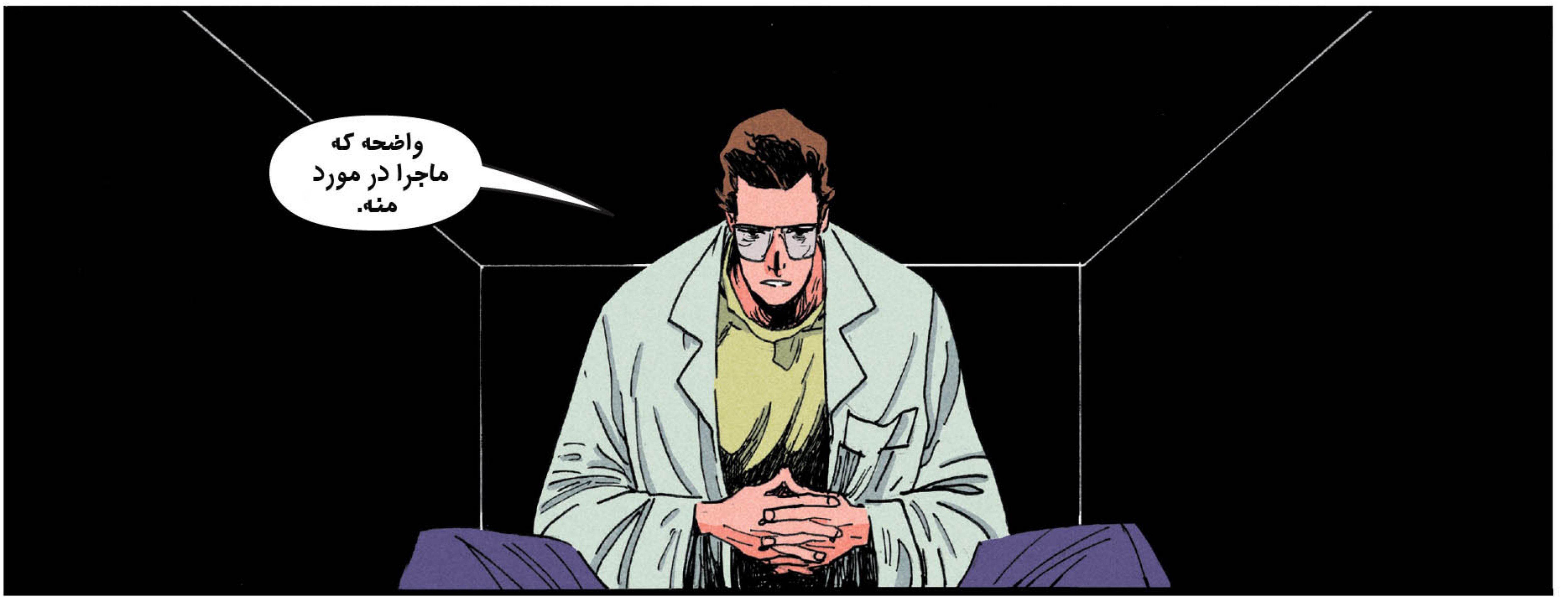
"حتی به ماده بیوشیمیایی قرمز رنگ هم دیده شده... قرمز مثل هالک قرمز. چشم یافته راس.



جسد ژنرال تادئوس "فاندر بولت" راس...



"تنها به نتیجه منطقی می شد گرفت."





این چهره
رو می بینی اینجا؟
این باید گری باشه. و
خیلی زشت تر.

ایم خیلی
بده که اون بیرون
ریزه ام و این تو هم
کوچولو؟ اصلا حرفشو
نزن رفیق...

جو...



این...
پیراهن... و...
هر چیز...

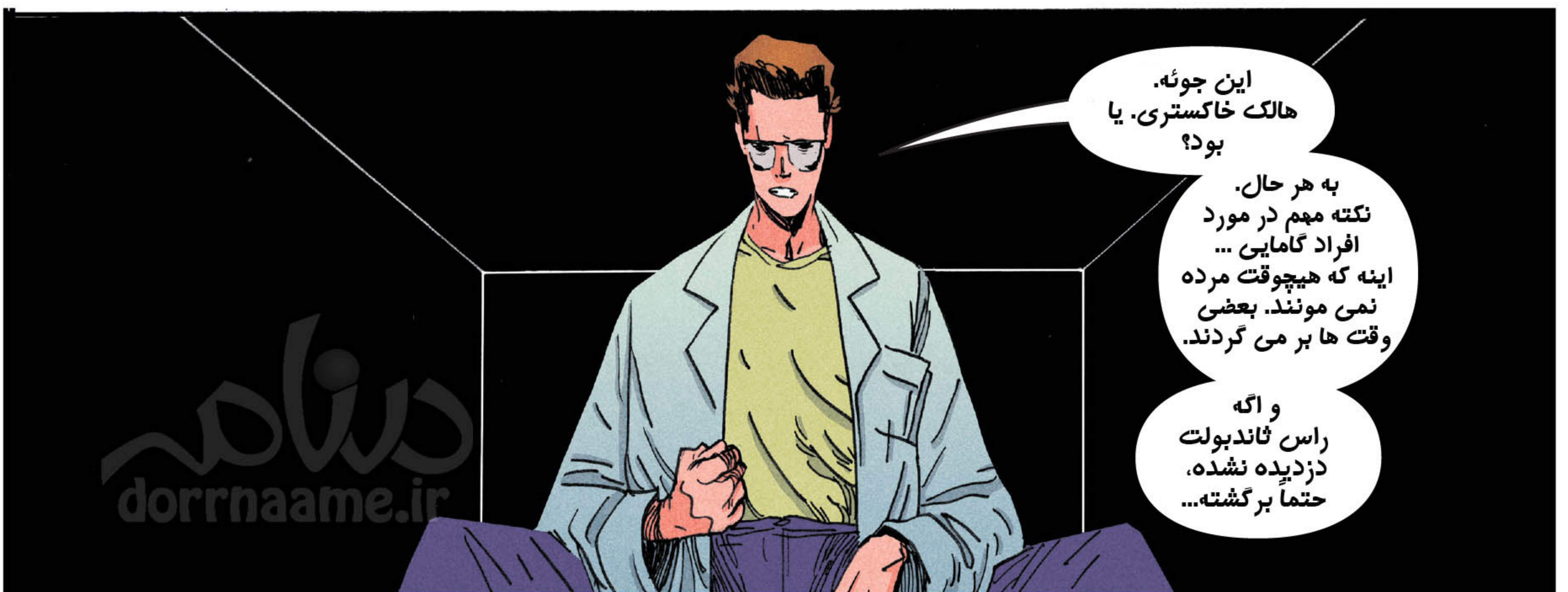
چی؟ این
روزها خیلی آفتاب
می گیرم. داره ازش
خوشم میاد.

هر کسی باید
متناسب با آب و هوا
لباس بپوشه.



باشه، باشه.
سعی کن حواست به
همه چیز باشه بنر.

می ریم
بقیه رو کنترل
کنم.



این جوئه.
هالک خاکستری. یا
بود؟

به هر حال.
نکته مهم در مورد
افراد گامایی ...
اینه که هیچوقت مرده
نمی موندند. بعضی
وقت ها بر می گردند.

و اگه
راس ثاندبولت
دزدیده نشده،
حتما برگشته...



... فکر کردم
باید بدونی.



ممم.

"داشتم کلنجار می رفتم
که به بیتی بگم یا نه.
مک جی می که وقتی
با کنترل کننده های
تغییر روبرو شد...

"...حتی نمی توئم
بگم کنترلش رو از دست
داد. اون تمام وقت کنترل
خودشو از دست نداده
بود... وقتی داشت سرشونو
از بدنشون جدا می کرد.

"در نهایت، من متوجه
شدم که نمی دوئم
چرا اینجوری واکنش
نشون می ده.



دیگه اونو
نمی شناسم.

به نظرم
باید در مورد این مسئله
تحقیق کنم. جکی مک جی کلید
اتاق رو داره... اون می که
می تونه حواسش به ریک
باشه.

اون
می که تو نوادا هالک
رو از بوش تشخیص
دادی. می تونی
پدر تو اینجوری
پیدا کنی؟
اگه...



می توئم
پیداش کنم. مرده یا
زنده. آره.

"شاید
هرگز این
کارو نکردم.



...باشه.
در اینصورت،
شاید بهترین مورد
برای انتقال به وست
پوینت باشی.

چقدر سریع
می تونی برسی
اونجا؟

تنهایی
ده ساعت. شاید
کمتر. تو هم
بیایی؟

در اون
صورت بیشتر
می شه. تازه
می بینمون.



اگه...
تو...

اگه تام
کنی چطور؟

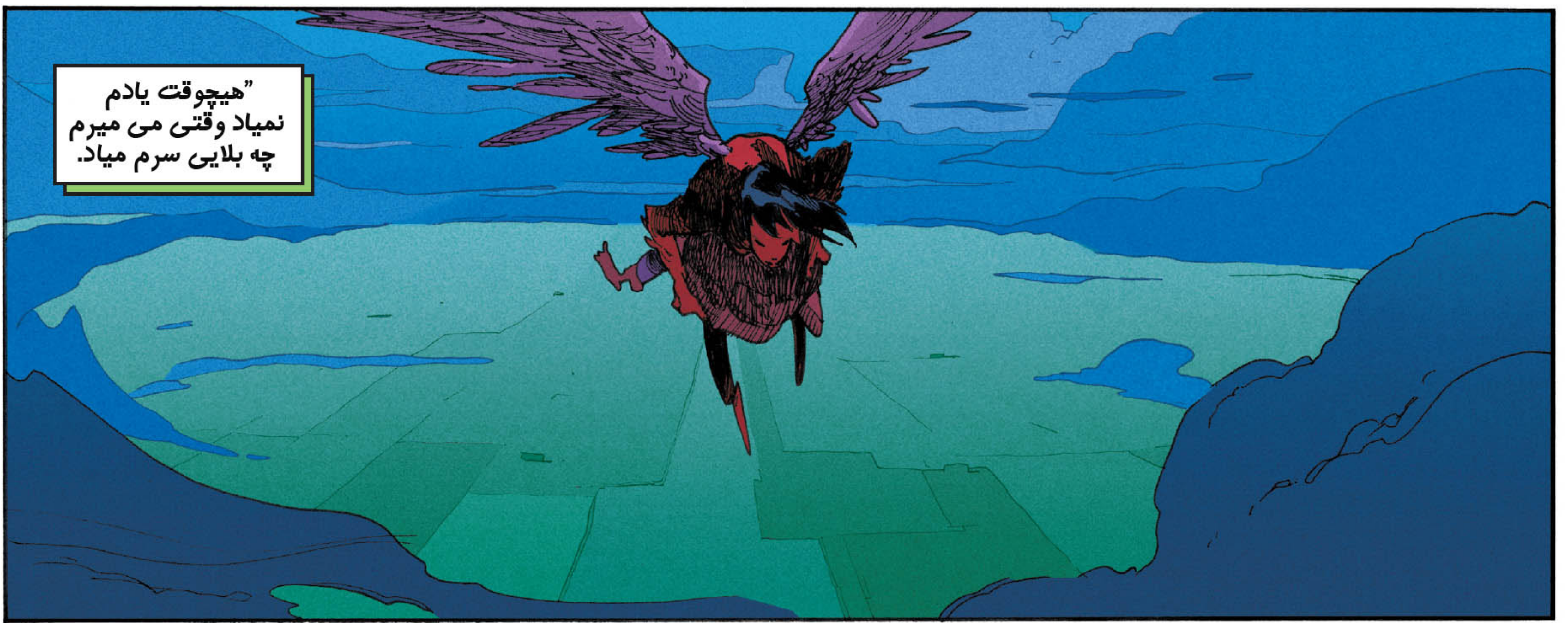
جواب این
حرفم رو نداد.
ولی درک کرد.

"اوایل صبح بود.
دوازده ساعت تا غروب
آفتاب و خیزش هالک
مونده بود. مسافرت
آسونتر می شد اگه...
من قرار نبود برم.



"صورت تم رو تو دستش
گرفت، به آرومی.
امیدوار بودم بهش
گند نزنه.

دردی نداشتم.



”هیچوقت یادم
نمیاد وقتی می میرم
چه بلایی سرم میاد.



”شاید باید
یادم بیاد.



شاید مهمه.



اوه،
بروس.



کلاً همه اش
داره می کشتت
مگه نه؟

طبق معمول یادم نمیاد هالک چیکار می کنه. وقتی مرده
یا... گفته بودم، مگه نه؟

ولی این دفعه...



این دفعه گذاشت یادم بمونه.

HNNH!



تغییر فرم انکار این دفعه بیشتر از دفعات قبلی آزاردهنده بود. من کوچکتر شده بودم. و هالک خیلی بزرگه.

مثل کیسه هوایی که باد می شه.

آو. لعنتی...



بتی رفته بود.

بهترین حدس اینه که منو رسونده به وست پوینت. بوی پدرشو از قبرش حس کرده...

...و تا جایی که الان هست ردیابی کرده.



راس...؟

نمی دونم چرا بتی نمود. شاید تنها جواب قانعش کرده بود. شاید می خواست تنها باشه.

شاید به چیزی که پیدا کرده بود اهمیت نمی داد...

«...ولی باورش
برام سخته.»



به هر حال. به
هر دلیلی که باشه،
بتی ما رو تنها گذاشت
تا باهاش روبرو بشیم...

بتی اینجا
بود؟

سلام
مرد بزرگ.

بتی...
بتی دوسته.
یا... یه دوست
بود...

هالک
دیگه نمی دونه.

نه. نه.
من هم
نمی دونم.

هالک دوست
نداره. هالک فقط
با هالک راحته... و با
هالک...

هالک...
هالک همیشه آسیب
می زنه. همیشه...
همیشه...

چرا؟ می دونی
چرا؟

چرا باید
هالک همیشه
آسیب بزنه!؟



باه!

بنر احمق!
بنر احمق هیچی
نمی فهمه!

خوب...
مردم از اول زمان
تا به حال این سؤال
رو پرسیدند، هالک...



بنر احمق!

فکر نمی کنم
بشه منو سرزنش
کرد...

بنر احمق
بتی رو به غیر
دوست تبدیل کرد!
بنر کوچیک احمق!



از مناطق
عمومی دور بود.
ولی مخفی نبود. خیلی
از مردم برای پیاده روی و
دیدن این ساختمان های
قدیمی می رن.

گور دسته جمعی
در زمین یه بیمارستان
روانی در نیوجرسی
قرار داشت.

...



پس هالک
کاری کرد که قبلاً
نکرده بود.

ولی ما وقت
نداشتیم جواب سؤال های
خودمون رو پیدا کنیم.

بالاخره یه
نفر پیداش می کنه.



"با اخبار
تماس گرفت."

خبر سری
که از منبعی نامعلوم
به دست ما رسید پرده از
محل مخفی برداشت
که در نیوجرسی
قرار دارد.

پیش از این گزارش
هشدار می دهیم که
این ویدئوها
حاوی تصاویر گرافیکی
زنده و دردناک
است...



"تصاویر گرافیکی
ناجور." به این مهملات
باور دارید؟

اجساد روده
شده ای که ستون
فقراتشون بیرون
کشیده شده؟

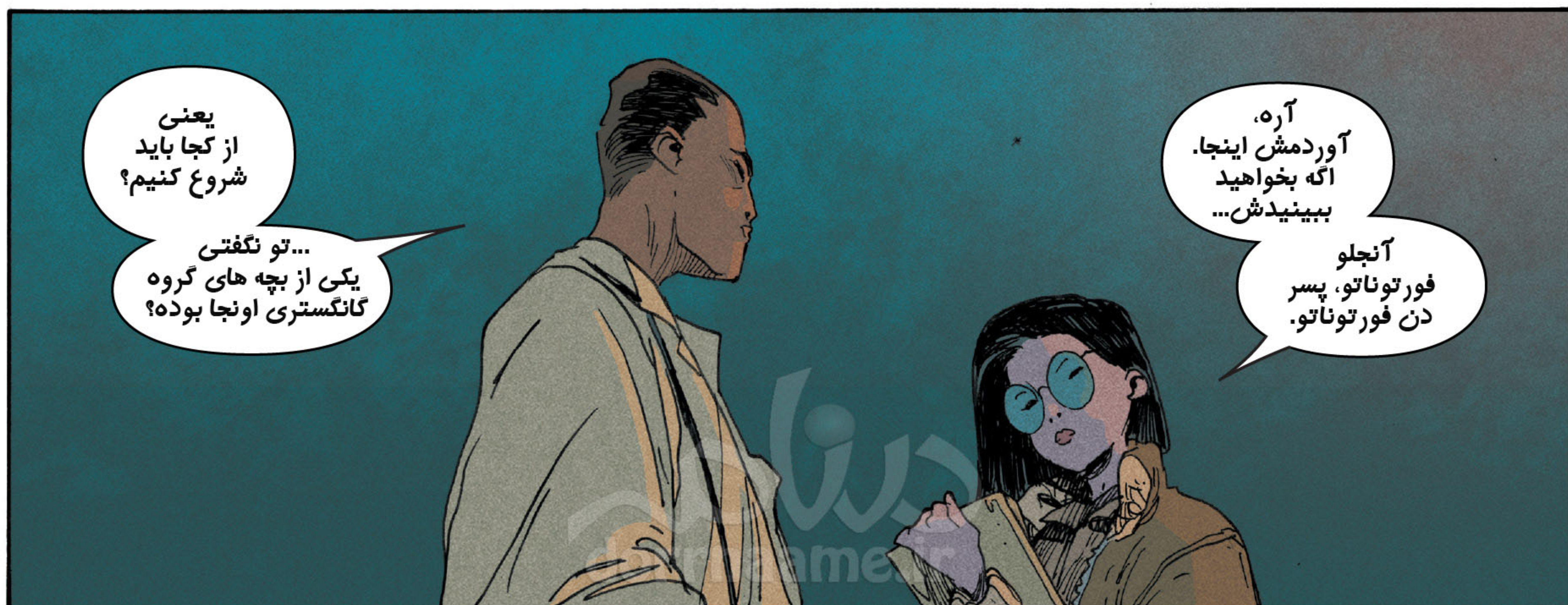
بعضی از آنها
افراد مشهوری
هستند.



چند تا از
کله گنده های نظامی
جسد شاندر بلت راس
رو بردند...

عالی شد.
امیدوارم اینها
رو هرچه زودتر ببرند.

دلم برای زمانی
که تمام این چیزها رو
مینداختیم کردن شیلد
یا چیزهای دیگه
تنگ شده.



یعنی
از کجا باید
شروع کنیم؟

...تو نگفتی
یکی از بچه های گروه
گانگستری اونجا بوده؟

آره.
آوردمش اینجا.
اگه بخواهید
ببینیدش...

آنجلو
فور توناتو، پسر
دن فور توناتو.



دُن رو یادمه.
ولی پسرشو یادم
نمیاد... اصلا تو کارهای
خانواده بوده؟

بر اساس اطلاعات
فایلش، همین باعث
مرگش شده.

داشته ادای
یه ابرشورور رو در می آورده
تا بالادستی خودش رو
تحت تأثیر قرار بده
ولی نشده.



داستانی به
قدمت تاریخ، ترانه ای
به قدمت خود ریتم آهنکین.
لباس با حالی هم برای
خودش دست و پا کرد؟

بله، لباس
خوبی هم برای
خودش دست و پا
کرد.

اینجا
می گه برای
پنج دقیقه...



... آنچلو
فورتوناتو ونوم
بوده.

"مردم باورشون
نمی شه.

"من هم بدون
مستندات باورم نمی شد.



"ولی هالک کارشو
بلده و تابلو نمی شه.

"البته تابلو
شدنش هم
حرف نداره.

بله دیگه. قهرمانان
قهرمانان، قهرمانانی
که ونوم بودند. یعنی
کیا تو لیستند؟

یعنی کاپیتان...؟
یعنی باید طبق اصول کلی
باید باهاش رفتار بشه. ولورین..
هاو کای... شاید هم بن گرین...

...یه قوطی
نخود... نه، این
لیست خریده
خوارباره...

آآآغ،
خورشید داره
طلوع می کنه.

وقتم
داره...

...تموم
می شه...

ای بابا.

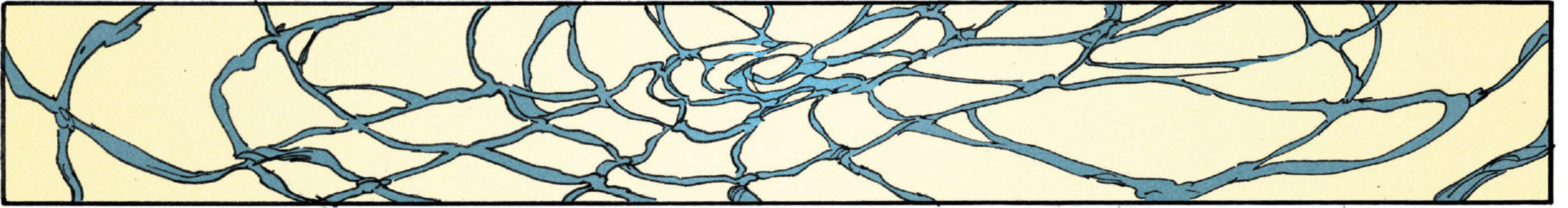
"هالک می خواست
نظر اسپایدرمن رو
به خودش جلب کنه.

"می دونست که
این کار به اون
صدمه نمی زنه..."



"...و نمی ذاره
به کسی دیگه
هم آسیبی
برسه."

THWIP THWIP
THWIP THWIP



"یا شاید این
تنها یک فکر
بود."

خدای من...

می دونم.

یه لطفی
به من بکنید و
به بخش کنترل خرابی
زنک بزنید. این تارها
تا یک ساعت دیگه
آب می شن...

... و من
باید به جنگ کارنیج
برم، قبل از اینکه...

خوب، این
یکی رو توقع نداشتم
ببینم.

سلام
اسپایدرمن.
اوه.





نمی تو نم باور کنم
که همه جای شهر
لباس زاپاس پنهان
کرده باشی.

منم باورم
نمی شه که تو
نداری.



خوب، تا جایی که
می دونم، دارم. از وقتی
اون گور دسته جمعی پیدا شده
یکی دو روزی رو از دست
دادیم.

ولی جو
اصلا از تو
خوشش نمیداد...
یعنی هالک و
جو فیکسیت
می خوان تو روشنایی
روز ما رو پنهان
نگه داره.



... برای نتیجه گیری از این
مکالمه باید بگم باید سیستم داشته
باشیم. ما یک سیستم هستیم.

من به این
قضیه احترام
می دارم.

باشه... البته نه
اینکه این تفاهم شما برای
من جالب و ترسناک نباشه،
بروس، ولی... پشتیبانی.

تو اون گور
دسته جمعی رو پیدا
کردی؟



جسد ثاندر بلت
رپوده شد. پیدا کردن
اون و دلیل این کار
اولویت منه.

اون یه سلاح
کشتار دسته جمعی
بیولوژیک و تکنولوژیکه.
دری به پلیدی که غیر قابل
تصوره.

سایز یازده
درسته.



من جدی ام،
اسپایدرمن... تو نمی دونی
با چی طرفیم.

در باره
ونوم بهم
بگو.
ولی واضحه
که... عکسش درسته

مشکل اصلی
ونوم نیست. کار نیجه.
اون بر گشته. و...

...سیمبیوت ها
نوعی نشانه تو ستون
فقرات انسان به جا می دارند
که بهش می گن کدکس.
هر کی تا حالا سیمبیوت
به تن کرده باشه یکی
از اونها رو داره.

کار نیچ داره
جمعشون می کنه
و هر چی بیشتر بشن
به تشکیل جامعه خودشون
نزدیک تر می شن.

اون می خواد
خدای سیمبیوت ها
کنال رو به زمین فرابخونه.
اون خدای خلا هست و
اگه به اینجا برسه...

بروس، اخبار
این یارو اصلا
اخبار خوبی نیستند.
قدمت اون بیشتر از
زمانه. اون...

اون...
شیطان
کهکشانیه.

همم.

نگو...

"شیطان"
کیهانی.

شاه
کلید همه
مسائل.

این یارو
نباید از من
خوشش بیاد.

من نمی توئم
این احتمال رو نادیده
بگیرم که این کنال شما
روی قضیه است... صورت
چیزی که در عمق قرار
داره.

یا موجودی
که کنترلش
می کنه، چیزی
که از اون طریق
کار می کنه.

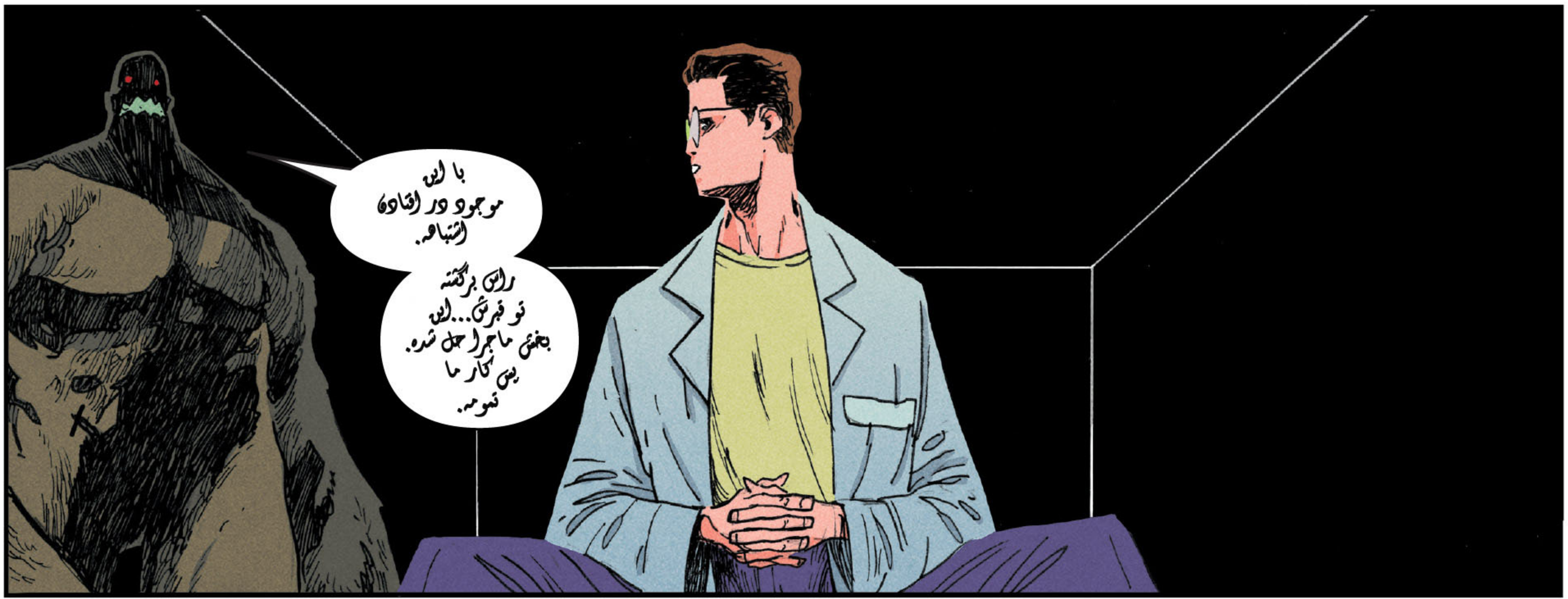
مثل پدرم.

یعنی
این مشکل
منه... قطعاً مشکل
منه.

و من
باید کمک
کنم.

نیست.

تو این
کارو نمی کنی.



با این
موجوده ور (فناوه)
رتبناه.

رکن برکتته
نو فیرتی... این
بعضی ماچرا عمل شه.
بسی کار ما
نورمه.



بنی و جوتز
نو کالیفرنیا منتظرند
باید اوضاعا باشی.
کار ولایه، باوت
رقه؟

خودم
می دونم.

ولی به این
معنی نیست که
فرار کنیم و بذاریم
یه خدای فضایی دنیا
رو به آخر برسونه.



دنیا مون
به روش خودمون
برامون...

تموم
می شه.



هههه.

به هر حال...
الان برای عقب نشینی
دیر شده.

پامون
گیره.



“خیلی هم درگیر شدیم.”

فرآیند جادویی بیرون کشیدن کدکس. گوش کن... می تونی یه تلاشی بکنی؟

من زیاد به این سازنده اعتماد ندارم...

به اندازه قدیم باهوش نیستم. ولی هر کاری از دستم بر بیاد می کنم.

اینجا باید منتظر کسی دیگه باشیم...؟



“چند تا دوست شگفت انگیز.”



بروس. خوشحالم که دوباره می بینمت.

من... بابت اتفاقی که تو ایوا افتاد ازت معذرت می خوام. اون بهترین اوقات انتقام جویان نبود.

اشکالی نداره.

به همین خاطر ازت می خواهیم بیایی و با ما حرف بزنی.

می تونیم کمکت کنیم.

کمیک هالک جاودانه #۷



“و دوستجات.”

از دیدنت خوشحالم. من ادی ام.

بروس بنر. ما چند بار با هم ملاقات داشتیم... ولی هر دو یه کم متفاوت بودیم.

اووه... من... ما...؟



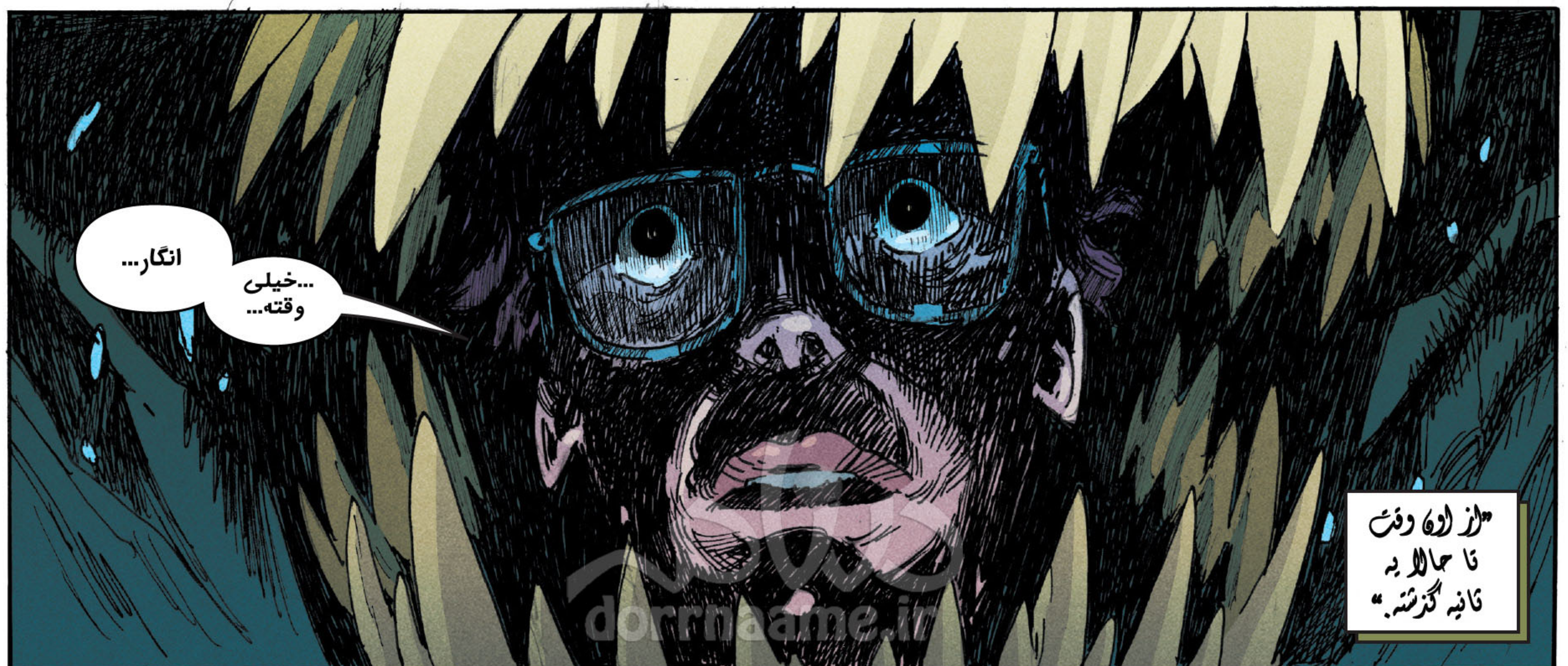
”...آلوده ات می کنند؟“

نه...
لعنتی...



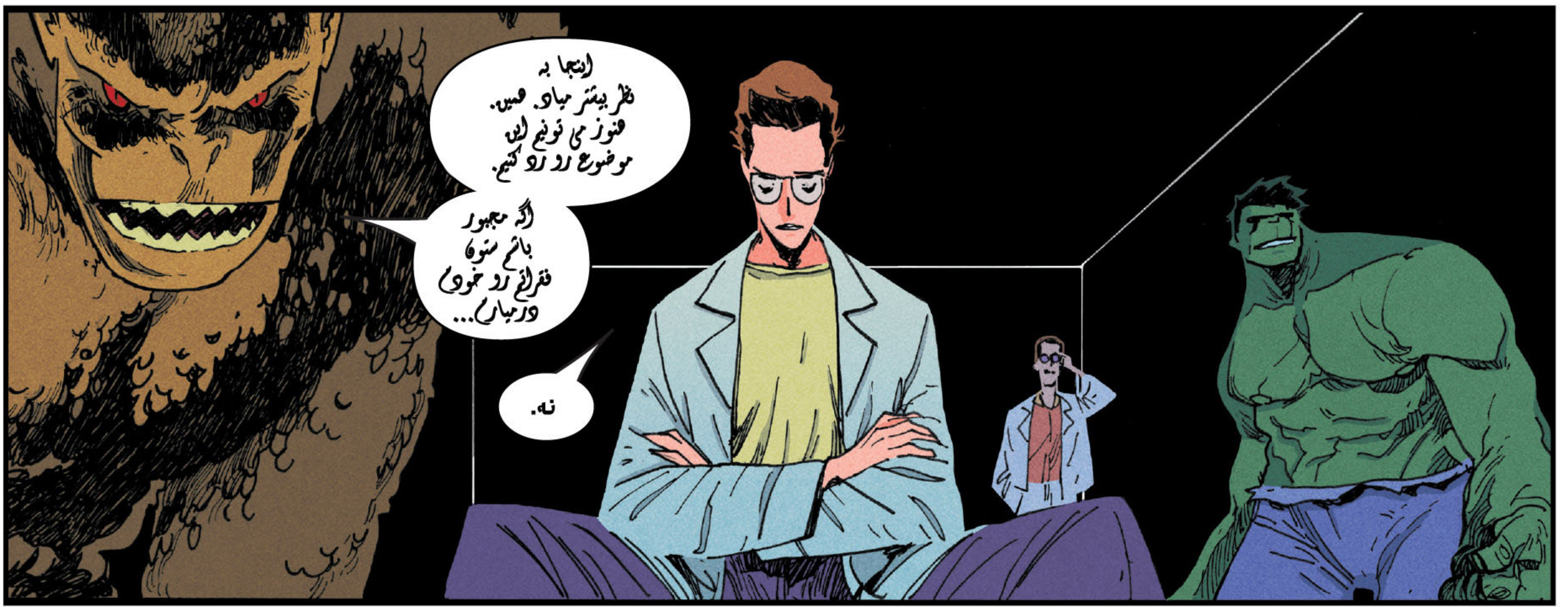
”... الان نه!“

...
باشه.



انگار...
خیلی...
وقته...

”از زوا وقت نا حالایه نایه گزشته.“



لاڻجا به
ڦڙ پيٽر مياو. هيٺين.
ڦٽوڙي توڻي لڻ
موضوع رو رو ڪٿيڻ.

ڳڻ مڃوڙ
بانج سٺوڻا
ڦڙ لڻ رو توڻي
رو مياو...
نه.



من مي خوام
اونو پيڏيرم.
باهاش ڪار
ڪنم.

اڪه قدرت هامونو
با هم تركيب ڪنيم
مي تونيم...

لاڻجوڙي
نهي نه! جهنهارو
باز ڪن، نه!

ڳڻاڻي
ڪن



لاڻجا به مڃوڙو لڻڪي
بيگانه (سٺ! مڙو) رو لڻوڻه جي ڪنه!
(ز مڙو) سو، (سٺاڻوڻه) مڙي ڪنه!

لاڻجا ڀڙڪي توڙيا ما يا
ڦڙ ڪن وڻيڪ (لاڻڪي) ڦاٽل
ڀڻڻ! اما رو نه مڙو!

تھا جهڙي ڪه
جي مڙوڻو ڦڙڻ ٿوڻه.

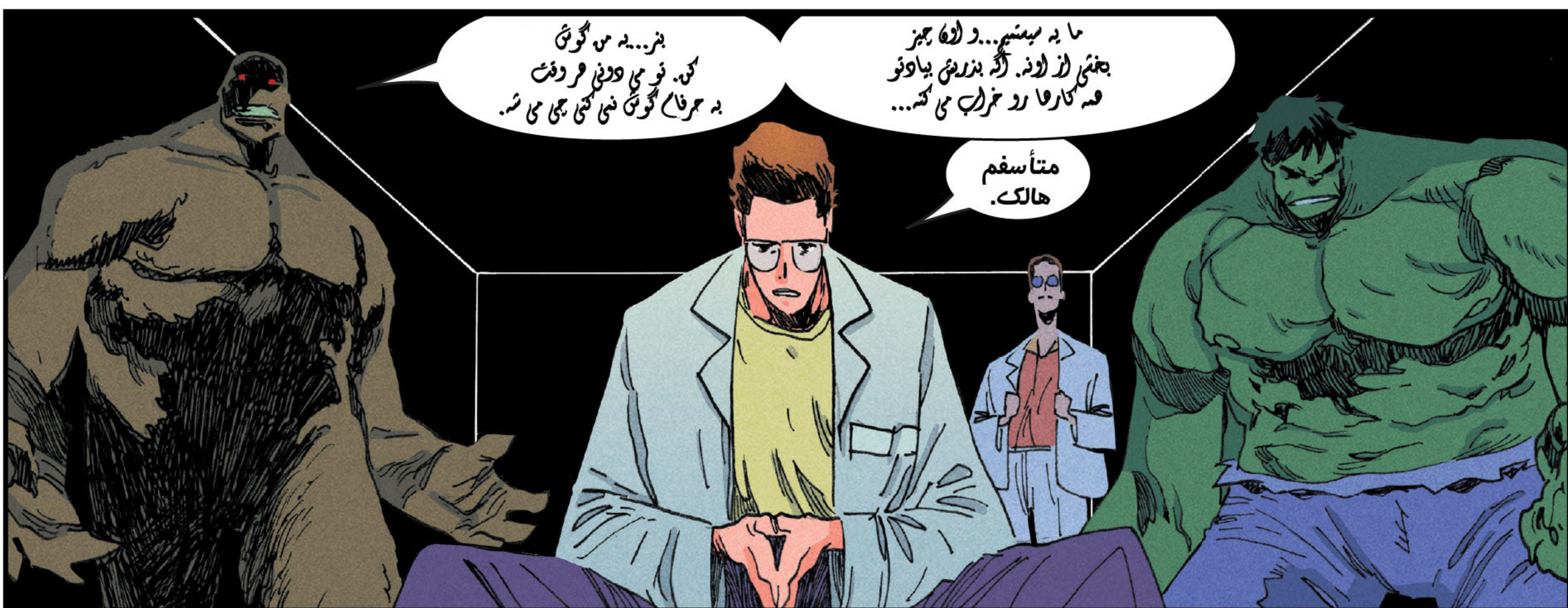


هالک قدرت
همه دوستان هالک
رو داره.

پس؟
هالک اینجا
قویترینه.

به نظر می رسه
بدون یه جنگ تمام
عیار قرار نیست از اینجا
بریم بیرون.

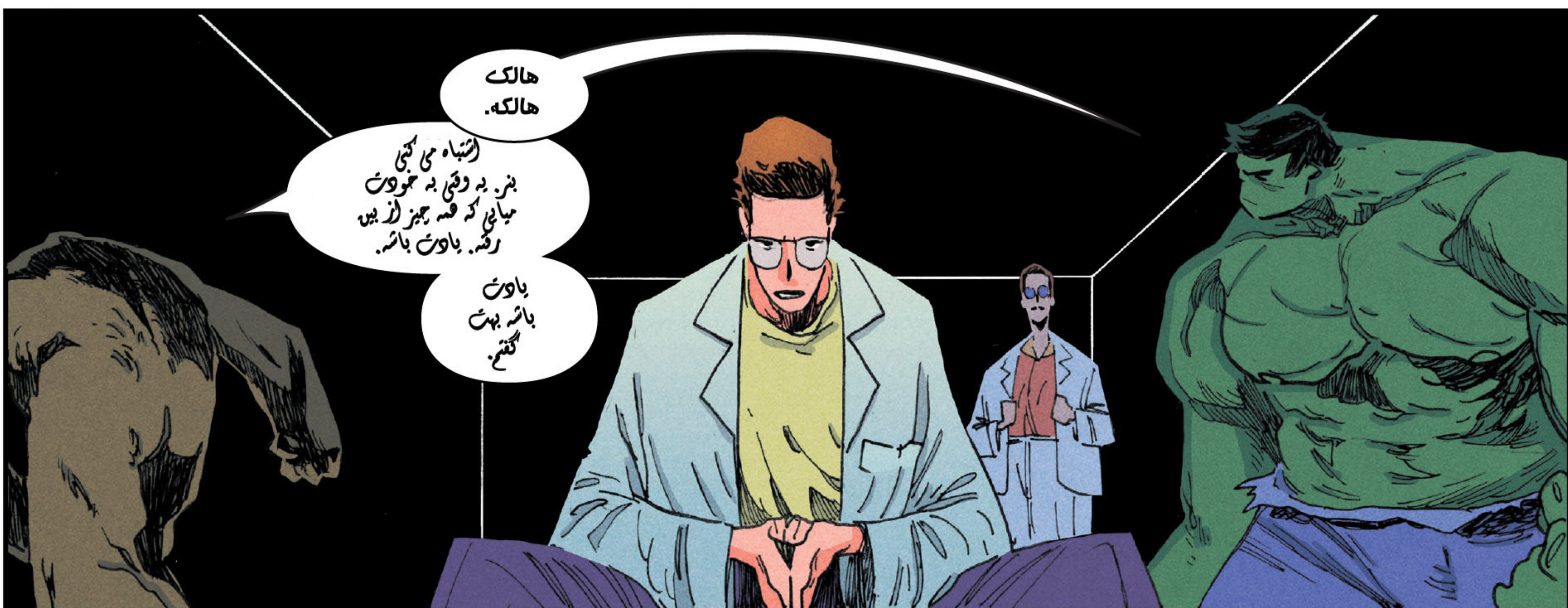
این بچه
شجاعت داره...
ببینیم چیکار
می تونه بکنه.



ما به بیست... د لاف بجز
بگنیم از لاف. که بزرگی باوونو
سه کاره رو خراب می کنه...

بزر... به من گوئی
کن. نو می وونی مر دفت
به حرفه گوئی نمی کنی بجای می نه.

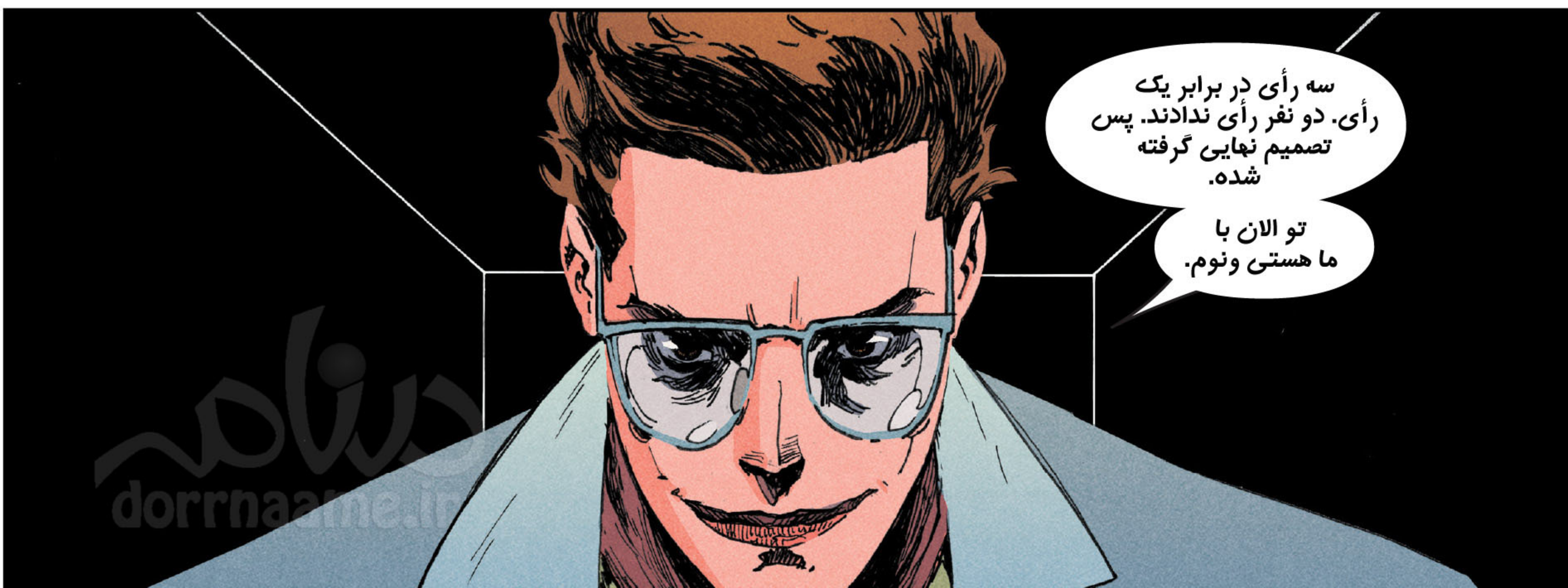
متأسفم.
هالک.



هالک
هالکه.

آهنگه می کنی
بزر. به دفعی به جوون
میانی که سه بجز از بین
رکنه. باوون باسه.

باوون
بانه بهت
بگنم.



سه رأی در برابر یک
رأی. دو نفر رأی ندادند. پس
تصمیم نهایی گرفته
شده.

تو الان با
ما هستی ونوم.

”به خانواده ما
خوش اومدی.“



ما هالکے ہستیم

AL EWING
WRITER

FILIPPE ANDRADE
ARTIST

CHRIS O'HALLORAN
COLORIST

TRAVIS LANHAM
LETTERER

MARVEL

1

EWING
ANDRADE
O'HALLORAN

ABSOLUTE ORANGE

THE IMMORTAL

دورنامه
dorrnaame.ir

مرجع کمیک های فارسی